

جستاری در اهداف سفرهای حدیث پژوهی

آتنا بهادری*

دکتر محمدعلی مهدوی راد**

چکیده

غناى گنجینه سخنان گهربار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در عصر کنونی مرهون تلاش‌های بی‌دریغ مسلمانان صیرر اسلام و نسل‌های پس از ایشان است. یکی از مهم‌ترین ارزشمندترین روش‌ها در حفظ و انتشار اقوال، سیره و سنن ثقل اصغر، رحله (سفر)های محدثان است.

تأمل در دستاورد سفرهای حدیث پژوهان چهار قرن نخستین عالم اسلام، تصریح می‌نماید که مجموع این کوچ‌ها یازده هدف عمده را دنبال می‌کرد: ۱. طلب و فراگیری احادیث، ۲. اطمینان از صحت و اتقان احادیث، ۳. طلب علو در اسناد، ۴. نشر و فراهی احادیث، ۵. بررسی احوال روایت، ۶. مذاکره علما در فهم و نقد احادیث، ۷. تأثیر در بهبود اوضاع فرهنگی - دینی شهرهای مقصد، ۸. کسب علوم مختلف حدیث، ۹. اخذ کتب حدیث، ۱۰. نشر کتب حدیث، ۱۱. تدوین مجموعه‌های حدیث. در این نوشتار به معرفی و ذکر آثار گران‌بهای برخی از این محدثان - که از مصادیق بارز زحمات ایشان است - می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها: رحله (سفر)، تاریخ حدیث، اخذ حدیث، نشر حدیث، علو اسناد، کتب حدیث.

درآمد

بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست که قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام دو منبع ارزشمند در شریعت اسلام هستند. قرآن سند زنده و معجزه جاویدان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از همان بدو نزول با تشویق و اهتمام ایشان حفظ و نگارش شد، اما سنن و روایات حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود با نابسامانی‌هایی روبه‌رو شد، ولی یاران و اصحاب واقعی ایشان، با روح علمی که اسلام در آنان دمیده بود و در اطاعت از آیه «نفر»^۱ و به منظور تشویق و ترغیب رسول خدا صلی الله علیه و آله به فراگیری

* کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.

** استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه پردیس قم.

۱. «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي دِينِ رَبِّهِمْ وَأَلْيَسُوا إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لِيُحَدِّثُوا بِهِمْ بَعْضُ مَا نَزَّلَ مِنْ رَبِّهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛ پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند - باشد که آنان را از کفر الهی بترسند؟ (سوره توبه، آیه ۱۲۲)

علم طی طریق نموده، سختی‌های راه را بر خود هموار کردند و در طلب علوم - که ارجح آن علم دین و سخنان گهربار حضرتش بود - روان شدند و بدین صورت، برگه زرین از اهتمام مسلمین در حفظ دینشان رقم خورد.

۱. مفاهیم واژگان

الرَّحْلَةُ: الرَّحْلُ و الرَّاحِلَةُ، هم به معنای جهاز و مرکب شتر و هم به معنای مسکن و ائاثیه منزل آمده است. عبارت ارحل البعیر رحله، معنای عزیمت و حرکت شتر را دربر دارد که در عرف رایج، واژه الرَّحْلَةُ به معنای «مقصد و سرمنزل» و الرَّحْلَةُ به معنای «سفر، کوچ و مهاجرت» است. کلمات التَّرْحُلُ، الإِرْحَال و التَّرْحِيل نیز همگی معنای دوم این واژه را دربر دارند.

در نهایت، با توجه به آنچه کتب لغوی در آن اتفاق دارند، نتیجه می‌گیریم واژه مورد نظر در اصل، از جهاز شتر - که سبب حرکت و مهاجرت است - گرفته شده و لذا به هرگونه انتقال و کوچ نمودنی اطلاق می‌گردد.^۱

حدیث: در لغت به معنای هر شیء جدید و نو است^۲ و شامل ظهور هر امری بعد از آن که نبود، می‌گردد؛^۳ از آن رو، یکی از مصادیق آن، کلام و سخن است؛ به طوری که برخی نگاهی فراتر از مصداق بدان داشته و «مترادف» کلام می‌دانند.^۴ اما در علوم حدیث، این کلمه بر نوع خاصی از کلام اطلاق می‌گردد که حکایت از قول، فعل یا تقریر معصوم علیه السلام دارد.^۵

۲. آغاز سفرهای دین پژوهی مسلمانان تحقیق کابیتور علوم اسلامی

با بعثت پیامبر ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله، روحیه حقیقت‌جویی انسان‌ها سبب شد برای شناخت آیین جدید و دستورات و نواهی آن از سراسر عربستان، تک‌تک یا در قالب وفد‌هایی سوی حضرتش رهسپار شوند. در ابتدا هدف، شنیدن پیام این آیین و آیات عظیم و شگفت‌آور قرآن کریم بود؛ عده‌ای نیز به هدف سؤال و رفع ابهام از مسائل دینی رهسپار می‌شدند؛ نظیر ضمام بن ثعلبه^۶ و عبدالقیس^۷؛ اما رفته‌رفته فهم و درک آیات، رفت و آمد جویندگان دانش دین را سوی ناقلان اولیه زیاد نمود.

۲. من سنک طریقاً تطلب فيه علماً سلك الله به طريقاً إلى الجنة؛ ان که راهی ببیناید تا دانشی جوید، خداوند راهی به بهشت بر او می‌گشاید. (اصول الکافی، ج ۱، ص ۳۴)

۳. العین، ج ۳، ص ۲۰۷؛ النهایة فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۲۰۹؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۷۴.

۴. العین، ج ۳، ص ۱۷۷.

۵. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۶.

۶. معجم البحرین، ج ۱، ص ۴۶۹.

۷. الوجیزة، ص ۴؛ نهایة الدراریة، ص ۸۰.

۸. هیأت با جماعتی که برای انجام کاری از نقطه‌ای به نقطه دیگر سفر می‌کند.

۹. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۳.

۱۰. همان، ج ۱، ص ۱۹.

مسروق بن اجدع از عبدالله بن مسعود نقل می‌کند که او با وجود هفتاد و اندی سوره - که به طور مستقیم از حضرت سماع نموده بود - باز می‌گفت:

لو علمت أحداً أعلم بكتاب الله تعالى تبلغه الإبل لأئيته^{۱۱}

اگر احدی را داناتر از خویش به کتاب خدا می‌یافتم، بار شتر به جانب او می‌بستم و مطالبی می‌گرفتم.

و ابی‌الدرداء، صحابی دیگری گوید:

لو أعتني آية من كتاب الله فلم أجد أحداً يفتحها عليّ الا رجل يبرك الغمام، لرحلتُ إليه^{۱۲}

گر آیه‌ای از کتاب خدا می‌یافتم و احدی را در فهمه آن نمی‌یافتم، مگر کسی در برك الغمام (دورترین جای یمن)، ناچار به سویش سفر می‌کردم.

از دیگر اهداف در سفرهای با محوریت قرآن، تلاش قرآء برای کسب و نشر قرائات مختلف بود؛ چنان‌که ابوزکریا یحیی بن سلام بصری (م ۲۰۰ق) در طلب قرائت از اصحاب حسن بصری سفرهای بسیاری نمود^{۱۳} و ابومحمد غازی بن قیس (م ۱۹۹ق) شیخ اندلس در سفر نزد نافع، قرائتش را بر او عرضه نمود و پس از اختیار قرائت نافع، اولین کسی بود که آن را به اندلس وارد کرد^{۱۴}. گذشته از سفرهای قرآنی - که در جای خود فحص و جست‌وجوی ویژه‌ای لازم دارد - در این مقاله، بررسی اهداف فعالیت‌های مسافران حدیث‌پژوه مدنظر است.

۳. اهداف سفر در نزد محدثان

بررسی قریب یک هزار و هشتصد سفر حدیث‌پژوهی در چهار قرن نخستین اسلام^{۱۵}، مشخص می‌کند که علما، بزرگان و محدثان عالم اسلام برای تحقق اهداف ذیل کوچ‌های حدیثی خویش را رقم زدند:

۱. طلب و فراگیری احادیث، ۲. اطمینان از صحت و اتقان احادیث، ۳. طب علو در اسناد، ۴. نشر و فرادهی احادیث، ۵. بررسی پیرامون احوال روات، ۶. مذاکره علما در فهم و نقد احادیث، ۷. تأثیر در بهبود اوضاع فرهنگی - دینی شهرهای مقصد، ۸. کسب علوم مختلف حدیث، ۹. اخذ کتب حدیث، ۱۰. نشر کتب حدیث، ۱۱. تدوین مجموعه‌های حدیث، که یک به یک مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱. طلب و فراگیری احادیث

آنچه هدف غالب محدثان از سفرهای علمی‌شان بود، در وهله اول اخذ و فراگیری روایات، سنن و سیره حضرت رسول ﷺ بود که به تدریج، اهداف دیگر، در پی آن شکل منسجمی به خود گرفت.

۱۱. الکفایة فی علم الروایة، ص ۵۶۹؛ السنة قبل التدوین، ص ۱۷۹.

۱۲. معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۰۰.

۱۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۹۶، ش ۱۲۸.

۱۴. همان، ج ۸، ص ۲۰۶، ش ۱۴۱۸.

۱۵. رک: پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «پژوهشی در رحله‌های حدیثی در چهار قرن نخستین اسلام» به رهنمایی دکتر محمد علی مهدوی رند و مشاوریه دکتر کاظمه قاضی زاده، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، شهریور ۱۳۸۵ش.

در عصر حضور حضرت محمد (ص)، در بی اعلام و جوب کسب دانش^{۱۶} و تشویق و ترغیب حضرتش به نقل روایات^{۱۷}، اصحاب همه هم و غم خویش را به کار گرفتند تا به او امر حضرت جامه عمل پوشند و در این راه هم خزینه علمشان را سرشار نمایند و هم به احادیثی صحیح و پالوده دست یابند.

۳-۱-۱. پیدایش اسناد و اهمیت آن نزد مسلمین

اسناد به معنای «رفع الحدیث الی قائله» (رساندن حدیث به گوینده آن) و سند همان «طریق المتن» (راهی که متن از آن به دست می آید) است^{۱۸} که در عهد پیامبر (ص) به وجود آمد. در واقع، علم سند، ابتکاری در قوانین روایت بود که خداوند تنها مسلمین را در آن توفیق داد و امم گذشته از آن بی بهره بودند.

حافظ علی بن حزم گوید:

نقل متصل فرد ثقه از ثقه تا پیامبر اکرم (ص) ویژگی ای است که خداوند آن را مختص مسلمین و نه دیگر ملل. قرار داد و از روزگار قدیم طراوت و تازگی آن را نزد ایشان محفوظ داشت.^{۱۹}

صحابه حضرت رسول (ص) آنچه از اقوال پیامبر (ص) می شنیدند و از افعال و یا سایر احوال حضرت می دیدند، برای آنان که به طور مستقیم از حضرت نشنیده و ندیده بودند، نقل می کردند و از آنجا بود که بسیاری افراد - که برخی از فرصت های دیدار حضرت را از دست می دادند و از بسیاری از سنن ایشان محروم می ماندند - از برادران دینی خود اخذ می کردند.

از براء بن عازب نقل است که گوید:

همه ما حدیث رسول الله (ص) را نمی شنیدیم، چرا که کار و مشغله داشتیم؛ لکن در آن روزگار مردم دروغ گو نبودند، پس شاهد غایب را خبر می دادند.^{۲۰}

در عهد رسول الله (ص) افرادی از صحابه بودند که اگر حدیثی را برای دیگری نقل می کردند، آن را به پیامبر (ص) می رساندند؛ خواه از حضرت به طور مستقیم شنیده بودند یا به واسطه صحابی دیگر؛ البته این ناشی از جهل ایشان به واسطه نقل یا عدم شناخت فردی که از او اخذ کرده بودند، نبود، بلکه به دلیل اعتماد ایشان به یکدیگر بود و این که همدیگر را از مظان کذب، چه به طور طبیعی و چه از باب دیانتشان، دور می دانستند. حضرت نبی اکرم (ص) نیز در میان شان حضور داشتند و اگر اشکالی روی می داد یا دچار شک می شدند، به حضرتش مراجعه می نمودند.^{۲۱}

۱۶. طلب العلم فریضه علی کل مسلم الا ان الله یحب بغاه العم؛ جستجوی دانش بر هر مسلمانی واجب است، همانا خداوند طالبان دانش را دوست می دارد. (الکافی، ج ۱، ص ۳۰)

۱۷. نظر ته عبداً سمع مقالته فوعاها ثم اداها الی من لم یسمعها؛ خداوند کسی را که سخن مرا بشنود، حفظ نماید و به غایبان برساند، پیامرزد (شاداب و سرزنده دارد). (الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳؛ سنن الدارمی، ج ۱، ص ۷۵)

۱۸. تلخیص مقیاس الهدایة، ص ۱۰.

۱۹. الفصل فی الملل والأهواء والنحل، ج ۲، ص ۸۲.

۲۰. الکفایة فی علم الروایة، ص ۵۴۸.

۲۱. «لإسناد نشأته و أهمیته»، ص ۲۲۱.

در طبقه* صغار اصحاب، دقت بیشتری در پذیرش و نقل روایات صورت می‌گرفت؛ چنان‌که مجاهد بن جبر مکی گوید:

بشیر العدوی به سوی ابن عباس آمد و شروع به نقل حدیث نمود، اما ابن عباس اجازه نقل به او نمی‌داد تا بالاخره گفت:

«در گذشته، اگر زمانی می‌شنیدیم که مردی می‌گوید رسول خدا ﷺ چنین فرمود، چشمانمان خیره می‌شد و به او گوش می‌دادیم و اما وقتی زمانه تغییر کرد، جز از آن که او را می‌شناختیم، حدیثی اخذ نکردیم».^{۲۲}

با گذشت عصر صحابه سخت‌گیری‌ها بیش‌تر شد. طبق نقل محمد بن سیرین (م ۱۱۰ق) تابعی معروف، چون فتنه‌ها آشکار شد، طالبان حدیث خواستار سند احادیث و واسطه‌های نقل متن شدند. اگر از اهل دیانت بودند، حدیث‌شان پذیرفته می‌شد و اگر از اهل بدعت بودند، حدیث‌شان به کناری می‌رفت.^{۲۳} تمسک به اسناد در عهد زهری و اقرانش* از صغار تابعان شایع شد و در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری به سیادت رسید؛ به طوری که شرط اعتبار روایات و اساس اعتماد در قبول و رد آنها شد. در دوران اتباع تابعان، علمای حدیث باب جرح و تعدیل را توسعه دادند و از پذیرش اخبار و روایات راویان مجهول‌الحال خودداری ورزیدند. در مورد ابوالزناد، از اصحاب امام سجاده^ع، نقل است که او در شهر مدینه صدنفر را مشاهده کرد که کسی احادیث ایشان را قبول نمی‌کرد و دلیل آن نیز، عدم صلاحیت آنها برای نقل روایت بود.^{۲۴} به دنبال چنین تلاش‌های بی‌وقفه‌ای از علمای اقدم بود که حاکم نیشابوری از بزرگان حدیث در قرن چهارم، بیان داشت:

اگر اسناد و کثرت مواظبت مسلمان بر آن نبود، درخشش و تابندگی اسلام از بین می‌رفت و ملحدان و بدعت‌گزاران بر وضع احادیث راه می‌یافتند و اسانید را مقلوب می‌کردند.^{۲۵}

و در نهایت، آنچه اجرای قوانین اسناد را ممکن می‌ساخت، سفر و نقل و انتقال محدثین و علمای رجال بود.

از میان طرق تحمّل حدیث^{۲۶}، «سماع»^{۲۸} برترین و معمول‌ترین شیوه بود که اساس سفرهای علمی را به دیدار علما و کسب شفاهی روایات از ایشان اختصاص می‌داد.

* در اصطلاح، عبارت از جماعتی است که در سن و دیدار مشایخ مشترک باشند. (تلخیص مقیاس الهدایة، ص ۲۰۴)

۲۲. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۰.

۲۳. المحدث الفاضل بین الراوی و الراوی، ص ۲۰۸.

* افزون: افرادی که در سن یا اسناد یا دیدار و اخذ از مشایخ قرین یکدیگر باشند. (تلخیص مقیاس الهدایة، ص ۵۴)

۲۴. رجال الطوسی، ص ۱۱۷.

۲۵. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۱.

۲۶. معرفة علوم الحدیث، ص ۱۱۵.

۲۷. روش‌های کسب حدیث از راوی قبلی که شامل ۱. سماع، ۲. قرائت، ۳. اجازه، ۴. مناووله، ۵. کتابت، ۶. اعلام، ۷. وصیت، ۸. وجاده می‌گردد. (ر.ک: تلخیص مقیاس الهدایة، ص ۱۶۹-۱۸۱)

۲۸. روشی در تحمّل حدیث که راوی حدیث را از لفظ شیخ بشنود؛ چه شیخ از حفظ بازگوید و چه از روی نوشته بخواند. (تلخیص مقیاس الهدایة، ص ۱۶۹)

در طبقه اصحاب، انس بن مالک به شخصی که از او حین نقل روایتی پرسید: آیا تو خود از رسول خدا آن را شنیدی؟ جواب داد: هر آنچه ما نقل می‌کنیم، از رسول خدا شنیدیم، لکن برخی از برخی دیگر نقل نمودند.^{۲۹}

جابر بن عبدالله انصاری نیز - که در مدینه اقامت داشت - در پی شنیدن حدیث «مظالم» از یکی از اصحاب در شام، شتری خریداری نمود و یک‌ماه در سفر بود تا به ناقل حدیث رسید و گفت: ترسیدم قبل از آن که این حدیث را از تو بشنوم، یکی از ما فوت کنیم.^{۳۰}

به دنبال اصحابی که در شهرها متفرق شده و میراث نبوت را به سرزمین‌های مختلف برده بودند، تابعان نیز حرکت کردند. اهتمام ایشان تا آنجا بود که حتی یک حدیث، ایشان را شب‌ها و روزها با خود همراه می‌کرد. سعید بن مسیب از کبار تابعان و اصحاب امام سجاد علیه السلام گفت:^{۳۱}

أَنْ كُنْتُ لِأَسِيرَ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي فِي طَلَبِ الْحَدِيثِ الْوَاحِدِ؛^{۳۲}

در جست‌وجوی یک حدیث روزها و شب‌ها سفر می‌کردم.

و بُسْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ حَضَرَنِي فِي سَمَاعِ الْوَاحِدِ؛^{۳۳}

ان كُنْتُ لِأَرْكَبَ إِلَى الْمَصْرِ مِنَ الْأَمْصَارِ فِي الْحَدِيثِ الْوَاحِدِ لِأَسْمَعَهُ؛^{۳۴}

برای شنیدن همین یک حدیث، سرزمین‌های مختلف را پیرودم.

ابوقلابه بصری از تابعانی است که به خاطر احادیثی که از فردی در مدینه به او رسیده بود، سه روز در آنجا اقامت کرد؛ در حالی که کاری جز دیدن آن که ناقل حدیث بود، نداشت.^{۳۴}

در این میان افرادی چون یحیی بن معین، چندان به سفر در طلب حدیث اهتمام داشتند که اگر محدثی اکتفا به شهر خویش می‌نمود، برای او رشد و هدایتی نمی‌دانستند^{۳۵} و عبدالله بن فروخ (م ۱۷۶ق) در مسجد جامع «عقبه» بر کرسی تدریس جلوس نکرد، مگر پس از سفر و سماع از کبار محدثان مشرق؛ همچون مالک بن انس و سفیان ثوری و اعمش.^{۳۶}

۳-۲. اطمینان از صحت و استواری احادیث

یکی از اهداف سفر محدثان، رفع شک و تردیدهایی بود که در الفاظ احادیث خاصی برایشان رخ می‌داد؛ از جمله ایشان ابویوب انصاری است. او با دقتی که در نقل احادیث داشت، وقتی در الفاظ روایتی دچار تردید شد، به سراغ عقبه بن عامر در مصر رفت و گفت:

۲۹. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۵۷۵.

۳۰. الرحلة فی طلب الحدیث، ص ۱۱۰، ش ۳۱.

۳۱. رجال الطوسی، ص ۱۱۴.

۳۲. المحدث الفاضل، ص ۲۲۳، ش ۱۱۱؛ معرفة علوم الحدیث، ص ۱۱۸.

۳۳. سنن الدارمی، ج ۱، ص ۱۴۰؛ الرحلة فی طلب الحدیث، ص ۱۴۷، ش ۵۷.

۳۴. المحدث الفاضل، ص ۲۲۳؛ الرحلة فی طلب الحدیث، ص ۱۴۴، ش ۵۳.

۳۵. معرفة علوم الحدیث، ص ۱۱۹، ش ۱۶.

۳۶. مدرسة الحدیث فی القیروان، ج ۱، ص ۲۲۶.

حَدَّثَنَا مَا سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي سِرِّ الْمُسْلِمِ، لَمْ يَبْقَ أَحَدٌ سَمِعَهُ غَيْرِي وَغَيْرِكَ^{۳۷}
 برای من آنچه را که از رسول خدا ﷺ در مورد پوشش مسلمان شنیدی، نقل کن که احدی جز
 من و تو باقی نمانده که آن را شنیده باشد.

و پس از اخذ حدیث، فوراً سوار بر مرکبش شد و به مدینه بازگشت.
 و یا ابومحمد بن ابی سفیان، روایت جابر را از پیامبر اکرم ﷺ در تفسیر آیه «وَتَعَزَّزُوا» از ابراهیم بن
 سعید شنید. پس از آن، ابراهیم در شهر عین زریه ساکن شد و ابومحمد چندین بار نزد او سفر کرد تا
 دوباره حدیث را برایش بازگوید که او بعد از چند بار امتناع، بالأخره پذیرفت.^{۳۸}
 از سوی دیگر، ابن عجلان از عبیدالله مقسم نقل می‌کند که جابر بن عبدالله در «اواخر عمرش تنها
 برای اتقان یک حدیث از مدینه به مکه رفت.^{۳۹} راهمزمی نیز در سند خود از ابان بن ابی عیاش گوید
 ابومعشر کوفی به خاطر اطمینان از صحت حدیثی که از ابان به وی رسیده بود، از کوفه به بصره
 گام نهاد.^{۴۰}

خطیب بغدادی در بحث مفصلی ماجرای شعبه بن حجاج کوفی (م ۱۶۰ق)، از اصحاب امام
 صادق علیه السلام^{۴۱} را شرح می‌دهد که به دنبال اطمینان در نقل حدیث «دعای وضو»، به چندین شهر قدم
 گذارد و با هدایت سلسله افراد سند، در نهایت، آن را از زیاد بن محراق در بصره شنید.^{۴۲}
 در مجموع، سفر برای بررسی استواری و اتقان احادیث در نوع روایات ذیل صورت گرفت:^{۴۳}
 الف. احادیثی که در متن یا معنا یکسان اند، ولی با اسناد دیگری روایت شدند. (متابع)
 ب. احادیثی که مضمون آن در احادیث دیگر وجود دارد. (شاهد)
 ج. احادیثی که از نظر سند ضعیف اند و محدث برای احتجاج بدان‌ها، در طلب بررسی روایت و قوت
 بخشیدن به سند برمی‌آید. (حسن لغیره)
 د. احادیث صحیحی که بررسی راجل، بر قوت آن می‌افزاید و یا از ضعف و خلل آن پرده برمی‌دارد.

۳-۳. طلب علو در اسناد

کم نمودن وسایط سند حدیث در عین حال که متصل هستند، روشی است که در آن محدث، حدیثی را با
 واسطه از شیخی شنیده، لذا به سراغ او رفته و از خود شیخ به طور مستقیم می‌شنود.
 به درستی که اگر اسناد و کثرت مواظبت مسلمین بر حفظ آن نبود، مناره‌های اسلام متزلزل می‌شد و
 ملحدان و بدعت‌گزاران بر وضع احادیث راه می‌یافتند و اسانید را مقلوب می‌کردند.

۳۷. معرفة علوم الحديث، ص ۱۱۷؛ تدریب الراوی، ص ۱۶۰.

۳۸. الرحلة فی طلب الحديث، ص ۱۶۴، ش ۶۶.

۳۹. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۳۸، ش ۲۶۰.

۴۰. المحدث الفاضل، ص ۲۲۳؛ الرحلة فی طلب الحديث، ص ۱۴۸، ج ۵۸.

۴۱. رجال الطوسی، ص ۲۲۴.

۴۲. الرحلة فی طلب الحديث، ص ۱۵۲، ج ۵۹.

۴۳. همان، مقدمه نورالدین عتر، ص ۱۹.

اما نه تنها دقت در سند حدیث از زمان علمای سلف، سنتی در میان محدثان بود؛^{۴۴} بلکه اخذ احادیث با اسناد عالی نیز اهمیت ویژه‌ای داشت و افرادی نظیر محمد بن مسلم طوسی، *قرب الأسانید* را نزدیکی به خداوند و سفر با این هدف را مستحب می‌دانستند^{۴۵} و محمد بن طاهر مقدسی نیز معتقد به اجماع اهل نقل بر طلب علو اسناد بود.^{۴۶}

در توضیح اسناد عالی، حاکم نیشابوری^{۴۷} معتقد است که به تعداد رجال سند، بستگی ندارد، بلکه فهم راوی ملاک است؛ چه بسا اسنادی که هفت، هشت یا ده واسطه دارد، ولی اعلی از همان سند با وسایط کمتر است؛ چنان که علی بن خشرم در مورد وکیع می‌آورد^{۴۸}: از ما پرسید کدام یک از دو سند ذیل نزد شما بهتر است؟ آن که اعمش از ابی وائل، از عبدالله بیاورد، یا سفیان از منصور، از ابراهیم، از علقمه، از عبدالله؟ گفتیم: اولی و او پاسخ داد: سبحان الله که اعمش و ابی وائل شیخ‌اند، ولی سفیان و منصور و ابراهیم و علقمه همگی فقیه‌اند و حدیثی که در بین فقها بگردد، بهتر از حدیثی است که شیوخ انتشار دهند.

در هر صورت، علو را به هر معنایی بگیریم، با مسافرت و اخذ حدیث از راوی - که مورد اعتماد راحل است - حاصل می‌گردد؛ چنان که از ابوالعالیه ریاحی نقل است که گفت:

ما روایتی را در بصره از اصحاب رسول خدا ﷺ می‌شنیدیم، ولی راضی نمی‌شدیم تا آن که به مدینه رفته و از زبان خودشان می‌شنیدیم.^{۴۹}

زید بن حباب بن ریان^{۵۰}، پس از آن که به دنبال حدیث «فرق ما بین صیامنا و صیام اهل الکتاب اكلة السحر»، به سراغ أسامه به مدینه رفت و در آنجا شنید که موسی بن علی - که اسامه از او شنیده است - در مصر زنده است، مرکبش را سوار شد و راهی مصر گردید و بالاخره حدیث را از خود وی شنید.^{۵۱} توجه به اسناد عالی از چنان اهمیتی برخوردار بود که نقل است ابوعلی نیشابوری وقتی در سال ۳۰۳ ق از این بی‌خزیمه اجازه خروج از عراق خواست، وی گفت: تو به دلیل سفرهای بسیار صاحب احادیث عالی الاسنادی هستی و در حفظ و اتقان بر همه سبقت داری و ما از تو بهره می‌بریم؛ پس نرو!^{۵۲} و برخی همچون قاسم بن أصبغ اندلسی (م ۳۴۰ ق) به دلیل سفرهای بسیاری که در طلب علو سند نموده بود، مرکز توجه مردم شهر خویش شد و علو سند در اندلس به وی منتهی گردید.^{۵۳}

۴۴. مقدمه این صلاح، ص ۱۵۶؛ *الجامع لأخلاق الراوی*، ص ۱۸۵.

۴۵. *تدریب الراوی*، ص ۱۶۰.

۴۶. *الرحلة فی طلب الحدیث*، مقدمه نورالدین عتر، ص ۲۰.

۴۷. *معرفة علوم الحدیث*، ص ۱۲۳.

۴۸. *المحدث الفاضل*، ص ۲۳۸، ش ۱۳۹.

۴۹. *سنن الدارمی*، ج ۱، ص ۱۴۰.

۵۰. بنابر آن که او در طریق روایات *الحصائل* شیخ صدوق و *الأمالی* شیخ طوسی است، از رجال شیعه است. *رجال الشیعة فی أسانید السنه*، ص ۱۳۱.

۵۱. *المحدث الفاضل*، ص ۲۲۹، ش ۱۲۰؛ *الرحلة فی طلب الحدیث*، ص ۱۵۷-۱۵۹، ش ۶۳.

۵۲. *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۲، ص ۳۲۱، ش ۳۲۳۶.

از همه مهم‌تر افرادی هستند که هم مورد توجه شیعه و هم اهل تسنن اند؛ مثلاً عبدالرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ق)، از اصحاب امام صادق علیه السلام و از اعلام علمای شیعه است؛^{۴۴} در عین حال، این عالم بزرگ را شیخ بخاری و مقصود سفر احمد بن حنبل، یحیی بن معین و دیگر بزرگان اهل سنت نیز دانستند.^{۴۵} همچنین او همان کسی است که از معمر بن راشد، از ابان بن ابی عیاش، از سلیم بن قیس حدیث طولانی حضرت علی علیه السلام برای طلحه را در مورد «یوم الخمیس» و فرموده حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در ولایت و وصایت علی بن ابی طالب علیه السلام و شهادت مقداد، سلمان و ابوذر بر این ماجرا، نقل نمود.^{۴۶} این محدث عظیم‌النسب و پرکار، در پی سفرهایش به حجاز، عراق و شام از پنجاه شیخ غیر یمنی حدیث شنید و پس از آن که شور و شوقش در طلب حدیث پایان یافت، وسعت علمی او سبب شد از قصاصات نقاط عالم اسلام سویس رهسپار شوند.^{۴۷}

۳-۴. نشر و فرادهی احادیث

از مهم‌ترین انگیزه‌های سفر، انتشار محفوظات یک محدث است و در میان علما و بزرگان اسلام، بسیار دیده شده که هدفشان از هجرت، پرداخت زکات علم‌شان بوده است؛ به عنوان نمونه، محمد بن مسلم ابوجعفر عورق (م ۱۵۰ق)، از اصحاب صادقین علیهم السلام بود که با سفرش به کوفه، جمعیت فراوانی از جمله عامه را نزد خود گرد آورد.^{۴۸}

از صاحبان کتب اربعه، محمد بن یعقوب کلینی رحمته الله علیه، صاحب کتاب شریف *الکافی*، پس از آن که رشد و نمو علمی‌اش در کلین صورت گرفت، متوجه بغداد گردید و در آنجا مورد توجه و مقصد سفر بزرگان حدیث شیعه شد^{۴۹} و شیخ صدوق رحمته الله علیه نیز شهرهای بسیاری را از بلاد خراسان درنوردید و علاوه بر کتب گران‌سنگی که نگارش نمود، احادیث بسیاری در اختیار مردم آن شهرها قرار داد و در شهر بغداد نیز اجازه نقل مصنفاتش را به پدر «نجاشی» عالم رجالی، علی بن احمد بن عباس داد.^{۵۰}

غیر از صاحبان کتب، دیگر بزرگان، چنین مجالسی در شهرهای مورد سفر خویش داشتند؛ از آن جمله محمد بن سلیمان لوبین اسدی (م ۲۴۵ق)، از اصحاب امام صادق علیه السلام است،^{۵۱} که به نقل بغوی، وقتی وارد بغداد شد، صدهزار نفر برای شرکت در مجلس او حاضر شدند که به ناچار، آن را در میدان «الاشنان» شهر بر پا نمود^{۵۲} و یا در مورد حاضران مجلس ابو خالد یزید بن هارون سلمی (م ۲۰۶ق)، هفتاد هزار نفر گزارش داده‌اند.^{۵۳}

۵۲. همان، ج ۱۲، ص ۱۱۹، ش ۳۱۱۳.

۵۴. *رجال النجاشی*، ص ۳۷۹ (ذیل ش ۱۰۳۲ محمد بن ابی بکر همام بن سهیل)؛ *رجال الطوسی* ص ۲۶۵ ش ۷۱۴.

۵۵. *تاریخ الکبیر*، ج ۳، ص ۴۲۳.

۵۶. *الإکمال فی أسماء الرجال*، ص ۱۱۵.

۵۷. *تهذیب الکمال* ج ۱۸، ص ۵۲ و ۵۳.

۵۸. *رجال ابن داود*، ص ۱۸۴.

۵۹. *رجال النجاشی*، ص ۳۷۷؛ *أعیان الشیعة*، ج ۱۰، ص ۹۹؛ *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۱، ص ۶۵۲ ش ۲۹۷۱.

۶۰. *رجال النجاشی*، ص ۳۸۹؛ *أعیان الشیعة*، ج ۱۰، ص ۲۴.

۶۱. *رجال الطوسی*، ص ۲۸۳، ش ۱۲۹.

۶۲. *سیر اعلام النبلاء*، ج ۹، ص ۶۴۳ ش ۱۹۳۴.

۶۳. همان، ج ۸، ص ۲۳۵، ش ۱۴۳۲. البته این گونه اعداد مقداری مبالغه‌آمیز است.

علاوه بر مواردی که به کثرت افراد در مجالس حدیث‌شان اشاره شده است، اشخاصی هستند که تعداد بسیار احادیث منقول از ایشان در سفر به یک شهر مورد توجه است؛ به خصوص که از حفظ بیان نموده‌اند، نه از روی نوشته؛ مثلاً در مورد غیاث بن ابوعمر کوفی (م ۱۹۴ق) گویند جمیع آنچه در بغداد و کوفه نقل نمود، قریب سه یا چهارهزار حدیث، از حفظش بود.^{۶۴}

البته در مواردی اعراف در اعداد بیشتر است؛ مثلاً گویند ابوداود طیالسی (م ۳۲۳ق) چهل هزار حدیث از حفظ بر مردم اصبهان نقل کرد^{۶۵} و گفت: از نقل آن فخری ندارم، در حالی که در سینه‌ام دوازده هزار حدیث از عثمان البری است که احدی از مردم بصره از من نپرسید؛ لذا به اصبهان آمدم و آنجا نقل نمودم.^{۶۶} و فرزند اسحاق بن بهلول تنوخی (م ۲۵۲ق) نقل حدیث پدرش را در بغداد، بالغ بر پنجاه هزار حدیث از حفظ دانسته است که در هیچ یک خطایی هم صورت نداد.^{۶۷}

۳-۵. بررسی احوال روات

از دیگر اهداف سفر محدثان و بخصوص علمای رجال، بررسی عدالت و وثاقت روات و آزمایش حفظ و تیقن آنها از طریق ملاقات، گفت‌وگو و پرسش‌هایی در احوال ایشان است؛ نظیر سفری که یحیی بن معین همراه احمد بن حنبل به مدینه داشت و در راه، وقتی به کوفه رسیدند، به احمد بن حنبل گفت: می‌خواهم ابونعیم را بیازمایم. لذا سی حدیث از احادیث او را در زورقی نگاهت و در میان آنها سه حدیث از غیر او قرار داد، ولی وی هر سه را تشخیص داد.^{۶۸} همچنین ابوکریب محمد بن علاء کوفی (م ۲۴۸ق) در سفر نزد یحیی بن حمزه با دیدن او در لباس قضاوت، دیگر حدیثی از وی نقل ننمود.^{۶۹} همه این مطالب حکایت از اهمیت بررسی ناقلان حدیث نزد محدثان دارد.

۳-۶. ملاقات علما و مذاکره در فهم و نقد احادیث

بررسی رحلات حدیثی نشان می‌دهد که محدثان، گاهی به صورت گروهی سفر می‌کردند تا در اثنای این نقل و انتقالات به مبادله دانش و مباحثه در فهم و درک احادیث و تمییز صحیح و سقیم آن، با دیگر بزرگان حدیث بپردازند؛ از آن جمله احمد بن حنبل، یحیی بن معین و علی بن مدینی هستند که در سفر به مکه یکدیگر را مشایعت می‌کردند^{۷۰} و یا عبدالله بن فروخ به همراهی بهلول بن راشد و عبدالله بن عمر بن غانم از افریقیه سوی مشرق عالم اسلام سفر نمود.^{۷۱}

۶۴ همان، ج ۸، ص ۳، ش ۱۳۲۰.

۶۵ همان، ج ۸، ص ۲۴۲، ش ۱۴۳۷.

۶۶ تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۲۸.

۶۷ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۳۳۳، ش ۲۱۴۳.

۶۸ نورالدین عتر، مقدمه الرحلة فی طلب الحدیث، ص ۲۰۷.

۶۹ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۱۳۵، ش ۲۰۲۴.

۷۰ الإرشاد فی معرفة علماء الحدیث، ج ۱، ص ۱۹۷ - ۱۹۸؛ مدرسة الحدیث فی البیمن، ص ۴۶۸.

۷۱ مدرسة الحدیث فی البیمن، ص ۲۰۴.

علاوه بر این همراهی‌ها، شهرهای مقصد نیز مکان خوبی برای مذاکرات حدیثی بود؛ مثلاً دیدار سه عالم بزرگ حدیث، عبدالرحمان بن مهدی عالم بصره^{۷۲}، زید بن حباب بن ریّان عالم خراسان^{۷۳} و سعدویه سعید بن سلیمان عالم واسط^{۷۴} و شنیدن حدیث‌شان از معاویه بن صالح، عالم اندلس در شهر مکه بوده است، نه در اندلس و یا ابوعلی نیشابوری در شهر بغداد با ابومحمد عسّال، ابواسحاق بن حمزه، ابوطالب بن نصر، ابوبکر جعابی و ابواحمد زیدی گرد آمدند و مبادلات حدیثی نمودند.^{۷۵}

از مهم‌ترین امور مورد توجه در شهرهای هدف، «عرضه کتب و محفوظات حدیثی» مسافران برای تأیید علما و بزرگان آن دیار است؛ چنان‌که محمد بن عیسی بن سوره ترمذی صاحب ستن برای اتقان احادیث کتابش، آن را بر علمای حجاز، عراق و خراسان عرضه نمود و همگی تأیید کردند.^{۷۶} در میان شهرهای مرکز تجمع دانشمندان حدیث، «مکه مکرمه»، به دلیل برگزاری موسم حج، نقش مهمی در عصر پر اختناق حضور معصومان علیهم‌السلام دارد.

۳-۶-۱. اهمیت موسم حج در نقل و انتقال احادیث

موسم حج بهترین زمان برای خیل عظیم مشتاقان دعوت حق در کسب معارف الهی است؛ بخصوص در عصر معصومان علیهم‌السلام که مردم به طور مستقیم به سرچشمه علوم اسلام دسترسی داشتند. در این میان، در عصر صادقین علیهم‌السلام وقوع تحولاتی در شرایط سیاسی جامعه در کنار کاهش سخت‌گیری عمال حکومتی، فرصت مغتنمی را برای این نوع ارتباط فراهم آورد. رجوع مردم به ائمه اطهار علیهم‌السلام منحصر به شیعیان نبود، بلکه بزرگان زنادقه، معتزله، حنفیه و دیگر مذاهب به قصد مناظره و میاجیه نزد حضرات علیهم‌السلام می‌آمدند؛ از جمله زنادقه بن ابی‌العوجاء، ابن طاووت و ابن‌الأعمی،^{۷۷} معتزله عمرو بن عبید و وصل بن عطا و حفص بن سالم^{۷۸} و بزرگ حنفیه نعمان بن ثابت^{۷۹} نزد امام صادق علیه‌السلام آمدند.

در میان شیعیان نیز افرادی بودند که با درک جایگاه علمی و الهی معصومان علیهم‌السلام در پی پاسخ مجهولات خویش، ائمه علیهم‌السلام را هر جا که می‌یافتند، مقصد حرکت خود قرار می‌دادند؛ از جمله: الف. گروهی معصوم را در حال طواف دیده و درباره مناسک حج می‌پرسیدند؛ علی بن زید صاحب السابری در مورد نیابت حج میثی در کوفه از ابوحنیفه پرسیده بود و در حال طواف امام صادق علیه‌السلام را دید و

۷۲. تاریخ یحیی بن معین، ج ۱، ص ۹۲.

۷۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۸، ص ۲۵۲، ش ۱۴۴۰.

۷۴. همان، ج ۹، ص ۱۷۷، ش ۱۶۹۵.

۷۵. همان، ج ۱۲، ص ۲۱۸، ش ۲۲۲۶.

۷۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۶۱۰، ش ۲۳۵۰.

۷۷. بحار انوار، ج ۱۰، ص ۲۰۹. و زندیقی که از مصر برای مناظره با امام جعفر بن محمد علیه‌السلام رهی مدینه شد و با شنیدن عزیمت امام برای حج او نیز چنین کرد و با ملاقات امام علیه‌السلام در طواف طی براهین کوفته و زیرکانه حضرت از میان جواب‌های وی، مجبور به پذیرش شکست شد. (الکافی، ج ۱، ص ۷۲)

۷۸. بحار انوار، ج ۴۱، ص ۲۱۳.

۷۹. همان، ج ۱۰، ص ۲۲۰.

به فتوای نادرست ابوحنیفه پی برد.^{۸۰} یا سفیان ثوری،^{۸۱} زید شحام^{۸۲} و ابن ابی عوانه (از موالی بنی امیه)،^{۸۳} هریک جداگانه از امام صادق علیه السلام در کیفیت استلام حجرالاسود توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند و علت تفاوت عمل امام علیه السلام را جویا شدند.

ب. عده‌ای در پی پاسخ سؤال دیگران نزد امام می‌رفتند؛ از جمله: داود انرقی که یکی از خوارج سؤالی از او در مورد آیه «مِنَ الصَّانِ الثَّنِيْنِ وَمِنَ الْمَعْرِ الثَّنِيْنِ» پرسید و چون نمی‌دانست، حج گزارد و از امام صادق علیه السلام جواب را برای او آورد و مرد خارجی با شنیدن پاسخ صحیح، بلافاصله به سرچشمه و گوینده اصلی پی برد.^{۸۴}

ج. افرادی نیز با دیدن امام در صفوف طواف، به هر نحو ممکن، از محضر حضرتش بهره می‌بردند.^{۸۵}

۳-۷. تأثیر در بهبود اوضاع فرهنگی - دینی شهرهای مقصد

برخی از علمای حدیث در جریان سفرهایشان با درک اوضاع و آگاهی از شرایط مردم شهر مقصد، با نگارش کتاب، سعی در درمان بیماری ذهنی و هدایت ایشان نمودند؛ نمونه بارز این افراد:

۱. احمد بن شعیب نسایی صاحب السنن بود که با سفر به بلاد شام و ثغور (شهرهای مرزی) با دیدن ازدیاد منحرفان از امیرمؤمنان علی علیه السلام در شهر رمله اقدام به تألیف کتاب *الخصائص فی فضل علی بن ابی طالب و اهل البیت* نمود و روایات فضایل معاویه را مورد نقد و جرح قرار داد.^{۸۶}

۲. صاحب دومین کتاب از کتب اربعه شیعه، شیخ صدوق رحمته الله علیه کتاب *من لایحضره الفقیه* را در قصبه ایلاق شهر بلخ، در پی درخواست یکی از دردآشنایان دین به نام شریف‌الدین نعمه، و درک شرایط مردم آن دیار - که از کانون علمی عالم اسلام دور بودند - به نگارش درآورد.^{۸۷}

۳. همچنین ایشان در پی درک سرگردنی شیعیان در امر امام غایب علیه السلام و مشاهده شبهات و اختلافات رایج مردم، خطر بزرگی احساس نمود و برای حفظ شیعه از شرفتنه و فروپاشی حتمی به مبارزات فکری و مباحثات علمی پرداخت. از جمله تلاش‌های گران‌مایه این عالم، مجالس متعدد مناظره با مخالفان در ری نزد رکن‌الدوله بویه، در نیشابور پس از مراجعه از زیارت امام رضا علیه السلام و در بغداد بود^{۸۸} که به نگارش آثاری همچون *رسالة فی الغیبة الی الری و المقیمین بها*، کتاب *مسأله نیشابور و الرسالة الثانية الی بغداد*، انجامید^{۸۹} و اگر سفرهای شیخ به این بلاد و مشاهده مستقیم اوضاع عقیدتی پیروان مذهب نبود، ضربه‌ای بزرگ به اعتقادات شیعیان در امر حجت علیه السلام وارد می‌گردید.

۸۰. همان، ج ۹۶، ص ۱۱۸.

۸۱. همان، ج ۴، ص ۲۰۴.

۸۲. همان، ص ۴۰۸.

۸۳. همان.

۸۴. «هذا شيء حملته الإبل من حجاز». (بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۱۶)

۸۵. نظیر فردی که در باب «بخشش» از امام کاظم علیه السلام سوال نمود. (الکافی، ج ۴، ص ۳۸ و ۳۹) و مردی از بیت المقدس در باب آغاز

بنای کعبه از صادقین علیهم السلام پرسید. (همان، ج ۴، ص ۱۸۷ و ۱۸۸)

۸۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۱۹۴، ش ۲۵۸۸؛ اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۶۰۲.

۸۷. من لایحضره الفقیه، ص ۲.

۸۸. کمال الدین، مقدمه، ص ۱۰.

۸۹. رجال النجاشی، ص ۳۹۲؛ فهرست الطوسی، ص ۲۳۸.

در کنار این سفرها سبطه توجه شیخ، نیازهای علمی و عقیدتی مردم بلاد دیگر را نیز در بر گرفت. این مطلب از آثار برجای مانده از مکاتبات شیعیان با ایشان مشهود است؛ از آن قبیل: جواب سؤالی‌های رسیده از قزوین، مصر، بصره، مداین و نامه ایشان به ابومحمد فارسی است.^{۹۰}

۳-۸. کسب علوم مختلف حدیث

راحلان حدیث در کنار فراگیری و فرادهی احادیث، به یادگیری علوم متفاوت حدیث (نقد الرجال^{۹۱}، فقه الحدیث^{۹۲}، غریب الحدیث^{۹۳}، علل الحدیث^{۹۴}، مختلف الحدیث^{۹۵} و...) پرداختند. نکته بسیار پر اهمیت، تأثیری است که ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} در آموزش علوم مختلف به اصحاب مخصوص خویش داشتند؛ مثلاً خاندان اُعین - که برخی از ایشان (حمران، بکیر، زراره و...) مصاحبت و شاگردی چندین امام معصوم^{علیهم‌السلام} را در مدینه و مکه و دیگر شهرها زینت زندگی خود دارند - همه مسافرانی از کوفه بودند.

توجه به فرمایش امام صادق^{علیه‌السلام} درباره زراره بن اُعین^{۹۶} روشن می‌سازد که حفظ و نگهداری احادیث معصومان^{علیهم‌السلام} در زمانی که انواع فرق و مکاتب انحرافی، اعم از زنادقه، مرجئه، غلات و... بازار گرمی برای خویش داشتند، منحصر به ثبت الفاظ ظاهری حدیث در یک مصحف نیست، بلکه قطعاً چنین امری علم وافر زراره را به فقه الحدیث و ضوابط جعل و وضع حدیث می‌رساند.

در مورد ابان بن تغلب کوفی - که از اصحاب مورد اعتماد سه امام سجاده، باقر و صادق^{علیهم‌السلام} بود و کتاب وزینی همچون غریب القرآن داشت - قابل درک است که دلیل فرمایش امام باقر^{علیه‌السلام} به او، نسبت به جلوس در مسجد مدینه و فتوا دادن^{۹۷}، وسعت دانشش و لزوم آموزش آن به دیگر مردم جویای علم است.

سه تن دیگر از موثق‌ترین شاگردان معصومان^{علیهم‌السلام} مؤمن طاق، هشام بن حکم و محمد طیار همگی اهل کوفه بودند که جذبه علمی و معنوی امامان شیعه ایشان را به تجمع در مدینه سوق داد و به ترتیب، در علم «کلام»، «امامت» و «قدر و استطاعت» فرزانه‌ای مورد تأیید امام خویش شدند.^{۹۸}

۹۰. کمال الدین، مقدمه، ص ۸.

۹۱. (علم جرح و تعدیل) علمی است که به نقد روایان حدیث و ذکر جایگاه ایشان از نظر مدح و ذم و الفاظ مخصوص آن می‌پردازد. (نهایة الدراية، ص ۲۶)

۹۲. علمی است که بدین مور می‌پردازد: عرضه محتوی حدیث بر کتاب و سنت مقطوعه، تحقیق در مورد صدور حدیث و آنچه مدخلیتی در فهم مدلول دارد، دقت در این که حدیث عین لفظ معصوم است یا نقل به معنا، شناخت عام و خاص و مطلق و مقید؟ شناخت محکم و منشاء حدیث. (تلخیص مقیاس النهایة، ص ۲۲۳ - ۲۵۵)

۹۳. بررسی متن احادیثی که در آن پیچیدگی‌ای به دلیل وجود برخی الفاظ مشکل ایجاد شده است. (نهایة الدراية، ص ۲۹)

۹۴. علمی است که از عیوب پنهان و پوشیده حدیث که در حجت آن لشکال ایجاد می‌کند، بحث می‌کند. (همان، ص ۲۹)

۹۵. علمی است که درباره احادیثی که متعارض‌اند، یعنی میان مدلول آنها با یکدیگر تنافی وجود دارد، بحث می‌کند و از چگونگی رفع این تعارض سخن می‌گوید. (همان، ص ۲۸)

۹۶. اگر زراره نبود، احادیث پدرم محمد بن علی الباقر^{علیه‌السلام} از بین می‌رفت. (اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۴۸)

۹۷. الفهرست، ص ۵۷.

۹۸. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۵۴.

یونس بن عبدالرحمان نیز از دیگر یاران کوفی امامان کاظم و رضا علیهم السلام است که کتب بسیاری از جمله *اختلاف الحدیث و العلل* را نگاشت^{۹۹} و چنان در علوم آموخته از پیشوایان برحق سرآمد گردید که فضل بن شاذان اثر این تعلیم و تعلم را نگارش هزار جلد کتاب در رد مخالفان مذهب از یونس دانسته است.^{۱۰۰} از موارد انتقال علوم توسط دانشمندان اهل سنت نیز باید از افراد زیر یاد کرد:

ابوعبید قاسم بن سلام (متولد هرات)، در بغداد به توضیح و تدریس غریب الحدیث پرداخت و کتاب‌هایی در این باب تصنیف نمود.^{۱۰۱}

از اهداف سفر محمد بن اسماعیل بخاری صاحب *الصحيح* و عثمان بن سعید دارمی صاحب *السنن*، به شهر بصره نزد علمای آن، بویژه علی بن مدینی آموختن علوم حدیث بود. نیز بخاری *نقد الرجال*^{۱۰۲} و دارمی *علل الحدیث*^{۱۰۳} را اختصاصاً فرا گرفتند.

همچنین، اواخر قرن سوم با سفر سلیمان شاذکونی به بغداد، احمد بن حنبل اطرافیان را به آموختن *نقد الرجال* از وی ترغیب نمود.^{۱۰۴}

۳-۹. أخذ کتب حدیث

دستیابی به کتاب‌های مهم حدیث از دیگر مقاصد مسافران بود که در اینجا نمونه‌هایی به تفکیک شیعه و سنی و شهرهای مقصدشان ذکر می‌گردد:

دانشمندان شیعه

در بصره: ابراهیم بن هاشم قمی بزرگ‌ترین دستاورد فقهی حماد بن عیسی را درباره نماز و زکات از او فرا گرفت.^{۱۰۵}

در کوفه: علی بن جعد بغدادی «صحیفه سفیان بن عیینه» را گرفت^{۱۰۶}، فضل بن شاذان کتاب عبدالله بن بکیر را از حسن بن علی بن فضال گرفت^{۱۰۷} و احمد بن محمد بن عیسی شاعری در ملاقات حسن بن علی بن وشاء کتاب علاء بن رزین قلاء و ابان بن عثمان أحمرا را فرا گرفت.^{۱۰۸} در بغداد: ابن عقده توسط ابن الجعابی از ابن صاعد مسند علی بن ابی طالب علیه السلام را فرا گرفت.^{۱۰۹}

۹۹. الفهرست، ص ۲۶۶.

۱۰۰. معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، ص ۲۱۳.

۱۰۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۱۸۳، ش ۱۷۰۲.

۱۰۲. مدرسه الحدیث فی البصرة، ص ۴۴.

۱۰۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۶۴۰، ش ۲۳۶۶.

۱۰۴. تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۴۳.

۱۰۵. اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۲۳۳: «علیم رجال و مسأله توثیق»، سال ۸، ص ۲۸.

۱۰۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۱۶۵، ش ۱۶۹۰.

۱۰۷. رجال النجاشی، ذیل رقم ۷۲ (حسن بن علی بن فضال)، ص ۳۴-۳۶: اختیار معرفة الرجال، ش ۹۹۳.

۱۰۸. رجال النجاشی، ذیل ش ۸۰ (حسن بن علی بن وشاء)، ص ۳۹.

۱۰۹. اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۱۱۲: تهذیب المقال، ج ۲، ص ۴۸۱.

در ری: ضحاک بن مزاحم کوفی از سعید بن جبیر تفسیر ابن عباس را گرفت^{۱۱۰} و ابومحمد عبدالباقی بصری از عبدالرحمان نیشابوری سه تصنیفش به نامهای الحجج و البراهین (درمورد امامت حضرت امیر مثنی و اولاد یازده گانه ایشان علیهم السلام)، المذهب فی المذهب و رسائل البصرة را شنید.^{۱۱۱}

همچنین ابوالحسن علی بن حاتم قزوینی در سال ۳۰۶ق، ابوالقاسم حمید بن زیاد کوفی را - که به نینوا نقل مکان کرده بود - ملاقات کرد و کتاب الرجال وی را بر او عرضه کرد و اجازه نقل دیگر کتب او را گرفت.^{۱۱۲}

هارون بن موسی تلکبری (م ۳۸۵ق) از بزرگان علمای شیعه است که در طی سفرهای متعددش اجازه نقل آثار بسیاری را گرفت و کتابهای فراوانی را از صاحبان اولیه اش شنید؛ از جمله: براهین الائمة علیهم السلام از سعید بن احمد ابوالقاسم غراد کوفی^{۱۱۳}، زهر الرياض از عبدالله بن فضل ابوعیسی کوفی^{۱۱۴}، کتاب النور لمن تلبره از حیدر بن محمد سمرقندی^{۱۱۵}، نوادر الحکمة و الإمامة از محمد بن احمد بن یحیی اشعری قمی^{۱۱۶}، کتاب القرائد از محمد بن قاسم ابوعبدالله کوفی سودانی^{۱۱۷} و بسیاری کتب دیگر.

دانشمندان اهل تستن

در مدینه: محمد بن ادريس شافعی الموطأ مالک را از خود وی شنید و از حفظ بر او عرضه نمود.^{۱۱۸}

در مکه: یحیی بن سعید قطان به کتب ابن جریج^{۱۱۹}، علی بن عبدالله مدینی به کتب شافعی^{۱۲۰} و ابومحمد عبدالله اصبلی به صحیح البخاری^{۱۲۱} دست یافتند.

در بصره: یحیی بن معین کتاب حماد بن سلمه را از موسی بن اسماعیل تبوذکی شنید^{۱۲۲} و ابویعقوب اسحاق بن ابی عمران از ربیع المیسوق را شنید.^{۱۲۳}

در بغداد: ابن ابی شریح هروی از ابوالقاسم بغوی الجمادات را شنید.^{۱۲۴}

۱۱۰. سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۴۸۱، ش ۶۰۵.

۱۱۱. الفهرست، ص ۷۶.

۱۱۲. رجال النجاشی، ص ۱۲۲.

۱۱۳. همان، ص ۱۸۰، ش ۴۷۳.

۱۱۴. همان، ص ۲۳۲، ش ۶۱۶.

۱۱۵. الفهرست، ص ۶۴.

۱۱۶. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۴۴۵.

۱۱۷. همان، ج ۷، ص ۲۹۲.

۱۱۸. المحدث الفاضل، ص ۲۳۲، ش ۱۲۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۸، ص ۳۷۷، ش ۱۵۳۹.

۱۱۹. الحیاء العلیمة فی مکه، ص ۳۳۷ به نقل از سوالات ابی داود لأحمد بن حنبل، ص ۳۵۰.

۱۲۰. همان، ص ۳۳۸، به نقل از طبقات علماء الشافعیة، ص ۴۰.

۱۲۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۵۵۸، ش ۳۶۱۰.

۱۲۲. الجرح و التعذیل، ج ۱، ص ۳۱۵.

۱۲۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۲۵، ش ۲۴۴۴.

۱۲۴. همان ج ۱۲، ص ۵۳۷، ش ۳۵۸۶.

در یمن: ابوسفیان محمد بن حمید معمری از معمر بن راشد کتبش را تحصیل نمود^{۱۲۵} و یحیی بن معین و احمد بن حنبل و ابوخیثمه زهیر بن حرب کتب عبدالرزاق^{۱۲۶}.
 در مصر: ابوعلی حسن بن حبیب حصائیری از ربیع مرادی کتاب الأم را گرفت^{۱۲۷} و ابن الأحمر محمد بن معاویه از ابوعبدالرحمان نسایی السنن الکبیرش را شنید^{۱۲۸}.
 در قیروان: محمد بن وضاح از موسی بن معاویه صمادحی المصنّف و کعب بن جراح را گرفت^{۱۲۹} و قاسم بن أصبغ از بکر بن حماد المسند مسدد بن مُسهد را شنید^{۱۳۰}.
 در خراسان: ابوسلیمان داود بن علی بغدادی از اسحاق بن راهویه المسند و التفسیر را شنید^{۱۳۱} و ابوعبدالله صفار اصبهانی از حسن بن سفیان المسندش را فرا گرفت^{۱۳۲} و دعلج بن احمد سجستانی در نیشابور مصنفات ابن خُزَیمه را به دست آورد^{۱۳۳}.

۳-۱۰. نشر کتب حدیث

گروهی از حدیث پژوهان در طی کوچ‌های علمی خویش بار و بنه‌شان، کتب و نوشته‌های حدیث بود و در شهرهای مقصد و حتی در میانه راه آن را در اختیار اهل این علوم می‌نهادند.

دانشمندان شیعه

سعید بن جبیر، از بزرگان تابعان، با ورودش به ری مواردی از تفسیر ابن عباس را در اختیار ضحاک بن مزاحم گذاشت.^{۱۳۴}

ابان بن ابی عیاش کتاب سلیم بن قیس هلالی را همراه خود به دیار شبراز و بصره برد.^{۱۳۵}
 ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی کوفی (م ۲۸۳ق) که در ابتدا زیدی مذهب بود و سپس به اثناعشریه گرایش یافت و کتابی به نام المعرفة در مناقب و مناقب مشهور نگاشت که کوفیان از او خواستند آن را کناری نهاده و نشر ندهد، اما او پس از جویا شدن از بدترین شهرها از نظر رفتار با شیعیان، روانه آنجا (اصفهان) شد و قسم یاد نمود که جز در آن شهر روایت نکند و تلاش بزرگان برای دعوت او به شهر قم سودی نداشت. نجاشی برای او بیش از چهل کتاب برشمرد که بیش تر آنها در بزرگداشت خاندان عصمت و طهارت و حقوق غضب شده ایشان است.^{۱۳۶}

۱۲۵. المحدث الفاضل، ص ۲۳۱: الأنساب، ج ۵، ص ۳۴۵.

۱۲۶. مدرسة الحديث فی الیمن، ص ۴۶۸.

۱۲۷. همان، ج ۱۲، ص ۵۹، ص ۳۰۵۳.

۱۲۸. همان، ج ۱۲، ص ۲۲۹، ص ۳۲۴۷.

۱۲۹. تاریخ علماء الأندلس، ج ۲، ص ۱۷.

۱۳۰. همان، ج ۱، ص ۴۰۶.

۱۳۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۴۹۱، ص ۲۲۷۳.

۱۳۲. همان، ج ۱۲، ص ۹۵، ص ۳۰۹۵.

۱۳۳. همان، ج ۱۲، ص ۲۰۵، ص ۳۲۱۹.

۱۳۴. فتوح البلدان، ص ۳۱۶: سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۲۸۷، ص ۴۸۳.

۱۳۵. کتاب سلیم، ص ۷۷.

۱۳۶. رجال النجاشی، ص ۱۶ - ۱۸.

عالم بزرگوار ابراهیم بن هاشم کوفی قمی (قرن ۳)، اولین کسی است که روایات کوفه را در شهر قم نشر داد. او کتاب‌های خود را همچون: *النوادر و قضایا امیرالمؤمنین* را - که در زمره روایات منتقل شده از کوفه به شمار می‌رفتند - در میان دوست‌داران احادیث معصومان علیهم‌السلام منتشر ساخت.^{۱۳۷}

ابونقاسم حیدر بن شعیب طالقانی کتب *فضل بن شاذان* را در بغداد نقل نمود.^{۱۳۸}

علی بن محمد ابوالحسن قزوینی قاضی در سال ۳۵۶ق، وارد بغداد شد و بخشی از کتب مفسر بزرگ شیعه محمد بن مسعود عیاشی را با خود وارد این دیار نمود و اولین فردی بود که کتب این عالم فرزانه را وارد این شهر دانشمندان در آن روزگار نمود.^{۱۳۹}

از همه مهم‌تر، صاحب اولین کتاب از کتب اربعه شیعه (*الکافی*)، محمد بن یعقوب کلینی است که در طی بیست سال کتاب گرانقدرش را نگاشت و آن را در طول سفر به بغداد، در میان علاقه‌مندان روایات معصومان علیهم‌السلام گسترش داد و به شهادت شیخ طوسی در سال ۳۲۷ق، «باب الکوفه» شهر بغداد «درب السلسله» مکان تعلیم او بود و شیخ در آن سال جمیع مصنفات و احادیث این عالم فخیم را به گونه مستقیم از او شنید و اجازه نقل آن را گرفت.^{۱۴۰}

دانشمندان اهل سنت

ابومحمد غازی بن قیس اندلسی (م ۱۹۹ق)، اولین نفر بود که قرائت نافع و *الموطأ* مالک را به اندلس وارد کرد.^{۱۴۱}

ابواسحاق ابراهیم بن محمد نیشابوری (م ۳۰۸ق) در راه حج صحیح مسلم را واجد^{۱۴۲} نقل نمود.^{۱۴۳}

ابوعوانه یعقوب نیشابوری (م ۳۱۶ق) اولین کسی بود که مذهب و کتب *شافعی* را وارد اسفراین نمود.^{۱۴۴}

ابن الأحمر محمد بن معاویه (م ۳۵۸ق) *السنن الکبیر نسایی* را در اندلس نقل نمود.^{۱۴۵}

۳-۱۱. نگارش کتب حدیث

در جریان رحلات محدثان و کسب علوم و معارف حدیث، برخی از ایشان بر آن شدند، از فرصت ایجاد شده برای تقیید علمشان بهره گیرند و به نگارش آن بپردازند و برخی، مسموعات خویش را در قالب مسندهایی به رشته تحریر درآوردند؛ از آن جمله: ابوالحسن علی بن عبدالعزیز بنوفی که *المسند الکبیر* را

۱۳۷. همان، ص ۱۶.

۱۳۸. *اعیان الشیعة*، ج ۶، ص ۲۷۰.

۱۳۹. همان، ص ۲۶۷.

۱۴۰. *الفهرست*، ص ۲۱۱.

۱۴۱. *سیر اعلام النبلاء*، ج ۸، ص ۲۰۶، ش ۱۴۱۸.

۱۴۲. روشی در طرق تحقق حدیث که در آن فرد کتاب یا حدیثی را به خط روی آن بیاید و با شناخت خط او، آن را روی روایت کند. *ابن‌خلکان مفاصل الهدایة*، ص ۱۸۰.

۱۴۳. همان، ج ۱۱، ص ۳۳۱، ش ۲۷۲۴.

۱۴۴. همان، ج ۱۱، ص ۳۶۲، ش ۲۷۵۲.

۱۴۵. همان، ج ۱۲، ص ۳۲۹، ش ۳۲۴۷.

در جریان سفر به مکه نگاشت^{۱۴۶} و ابراهیم بن نصر بن عبدالعزیز رازی که به شهر بصره رفت و نزد ابوسلمه تورق می‌کرد و پس از آن که اقامتش در آنجا به درازا کشید، حجره‌ای خرید و در حین کارهایش *المسندی نگاشت*.^{۱۴۷}

برخی نیز، بیش‌تر مسموعات حدیثی‌شان، در احکام و مسائل فقهی بود. از این رو، کتبی در فقه الحدیث و فقه تابعان نگاشتند؛ نظیر عیبدان بن علی بن ابراهیم که در پی سفرهای فراوانی که داشت، کتابی به نام *الجمعریة* در فقه اهل بیت علیهم‌السلام تدوین نمود.^{۱۴۸}

در میان اهل سنت، احادیث کتاب *العتیبة* محمد بن احمد اندلسی (عتبی)، مستخرج از شنیده‌های او از مالک بن انس بود.^{۱۴۹} یا محمد بن مفرج قاضی که پس از سماع از دویست و سی شیخ در جریان سفرهایش، فقه حسن بصری را در هفت مجلد، *فقه ژهری* را در اجزای بسیار و *مسند قاسم بن اصغیر* را برای حاکم مستنصر جمع‌آوری نمود.^{۱۵۰}

برخی، در شهرهای مقصد سفرشان، معلومات خویش را در موضوعات مختلف حدیثی در قالب کتاب درآوردند؛ نظیر ابومحمد مؤمن قمی (م ۳۴۰ق) شیخ شعیبان قمی در عصر خویش که در سفر به کوفه کتابی در زیارت این شهر و مساجد و دیگر فضایل آن نگاشت.^{۱۵۱}

و شیخ صدوق کتاب‌های *عیون اخبار الرضا* علیه‌السلام و *کمال الدین و تمام النعمة* را در شهرهای خراسان به رشته تحریر درآورد.^{۱۵۲} و چندین بخش از کتاب *الامالی* را در مشهد الرضا علیه‌السلام نوشت. او در سال ۳۶۷ق و مجلس ۲۵ و ۲۶ این کتاب و در سال ۳۶۸ق، هنگام سفر به ماوراءالنهر در طی اقامتش در مشهد الرضا علیه‌السلام مجالس ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ را املا کرد.^{۱۵۳}

و در نهایت، گروهی ثمره و عصاره سفرشان را پس از گزینش و گلچین بهترین‌ها در قالب کتاب و دست‌نوشته تصنیف نمودند؛ نظیر محمد بن ادریس ابوحنیفه رازی که پس از طواف بلاد اسلام به تدوین و تصنیف مسموعاتش و بررسی جرح و تعدیل آنها پرداخت.^{۱۵۴}

۴. خاتمه

کنکاش منابع این پژوهش، یازده هدف عمده برای رחله‌های حدیثی برمی‌شمارد که مجموع آنها حول دو مقصود کلی فراگیری و فرادهی احادیث می‌گردد.

۱۴۶. همان، ج ۱۰، ص ۶۶۰ ش ۲۳۸۲.

۱۴۷. همان، ج ۱۰، ص ۶۶۶ ش ۲۳۹۰.

۱۴۸. *عیان الشیعة*، ج ۸، ص ۱۳۷.

۱۴۹. *بغیة الملتصق*، ج ۱، ص ۷۱، ش ۱۴.

۱۵۰. همان.

۱۵۱. *رجال النجاشی*، ص ۱۲۳، ش ۳۱۷.

۱۵۲. *الامالی*، مقدمه، ص ۸؛ *کمال الدین و تمام النعمة*، ص ۳ و ۴.

۱۵۳. *الامالی*، مقدمه، ص ۷ و ۸.

۱۵۴. *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۰، ص ۵۹۷، ش ۲۲۳۶.

«فراگیری» اعم است از اخذ اولیه حدیث، حفظ و تقان احادیث گذشته، آگاهی از وجود روایانی که به تقلیل سند کمک می‌کنند، به دست آوردن مجموعه‌ها و کتاب‌های حدیث، موختن علوم مربوط به حدیث و مذاکره در فهم و نقد آنها و «فرادهی» شامل انتقال احادیث و کتاب‌های مدون آن به بلاد مختلف بخصوص شهرهای دور از مرکز اسلام و آموزش علوم جدید در درک و نقد حدیث است. البته، به یقین، با گسترش منابع و بررسی جزئی زندگانی هر یک از را احلان حدیث، حقایق بیش‌تری از انگیزه و مقاصد سفرهای حدیث‌پژوهی به دست می‌آید که سبب می‌شود این تحقیق و امتثال آن را پایان کار ندانیم.

کتابنامه

- اختیار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ق)، تحقیق: میرداماد و محمدباقر حسینی و سید مهدی رجایی، قم: موسسه آل البيت - ۱۴۰۴ ق.
- الإرشاد فی معرفة علماء الحدیث، خلیل بن عبدالله (م ۴۴۶ق)، تحقیق: محمدسعید ادریس، ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
- «الاسناد نشأته و اهميته»، حارث سلیمان النصارى، مجلة كلية الشريعة، رئیس تحریریه: دکتور عبدالله محمد الجبوری، جامعة بغداد، مطبعة بابل، شماره ۵، ۱۳۹۹ق.
- أعيان الشيعة، سید محسن أمين، تحقیق و استدرک: حسن أمين، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
- الإكمال فی أسماء الرجال، خطیب تبریزی (م ۷۴۱ق)، تعلیق: اسدالله انصاری، قم: مؤسسه اهل بیت - ۱۴۱۰ق.
- الأمانی، محمد بن علی صدوق (م ۳۸۱ق)، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۷ق.
- الأنساب، عبدالکریم سمعانی (م ۵۶۲ق)، تعلیق: عبدالله عمر البارودی، بیروت: دارالجنان، اول، ۱۹۸۸م.
- بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۱ق)، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- بغية المتيسر في تاريخ رجال اهل الاندلس، الضبي (م ۵۹۹ق)، تحقیق: ابراهيم لأبياری، قاهره: دارالكتاب المصری و بیروت: دارالكتاب اللبناني، ۱۴۱۰ق.
- تاريخ ابن معين (به روایت الدوري)، يحيى بن معين (م ۲۳۳ق)، تحقیق: عبدالله احمد حسن، دارالقلم، بی تا.
- تاريخ بغداد أو مدينة السلام، خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق)، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطی، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۷ق.
- تاريخ علماء الاندلس، عبدالله بن فرضی (م ۴۰۳ق)، تحقیق: ابراهيم الإياری، بیروت: دارالمکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳ق.
- التاريخ الكبير، محمد بن اسماعيل بخاری (م ۲۵۶ق)، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۰۷ق.

- تدریب الراوی فی شرح تقریب النووی. عبدالرحمان سیوطی (م ۹۱۱ق)، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، مصر: مطبعة السعادة، ۱۳۸۶ق.
- تلخیص مقباس الهدایة، علی کبرغفاری، تهران: جامعة الامام الصادق علیه السلام، ۱۳۶۹ش.
- تهذیب الكمال فی اسماء الرجال، جمال الدین یوسف مزنی (م ۶۵۴-۷۴۲ق)، تحقیق: دکتر بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة، دوم، ۱۴۰۸ق.
- تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال. سید محمد موحد أبطحي، قم: ابن المؤلف، اول، ۱۴۱۲ق.
- الجامع الصحیح، محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
- الجامع لأخلاق الراوی، خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق)، تحقیق: محمد عجاج خطیب، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۲ق.
- الجرح و التعديل، ابن أبي حاتم رازی، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانية، اول، ۱۳۷۲ق.
- الحیاة العلمية فی مكة (خلال القرنين الثاني و الثالث الهجريين)، عبدالعزيز بن راشد السنيدي، رياض: مكتبة ملك فهد الوطنية، اول، ۱۴۲۴ق.
- الرجال. شيخ طوسي، تحقيق: جواد قيومي اصفهاني، قم: مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۱۵ق.
- رجال ابن داود، ابن داود حلی (م ۷۰۷ق)، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۹۲ق.
- رجال الشيعة فی الأسانيد السنة، محمدجعفر طبرسي، مؤسسة المعارف الاسلامية، اول، ۱۴۲۰ق.
- رجال النجاشي. احمد بن علي نجاشي (م ۴۵۰ق)، تحقيق: سيدموسى شبيري، قم: مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۱۶ق.
- الرحلة فی طلب حديث، خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق)، محقق: نورالدین عتري، بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۳۹۵ق.
- السنة قبل التدوين، محمد عجاج خطیب، قاهره: مكتبه وهبة، دوم، ۱۴۰۸ق.
- سنن الدارمی، عبدالله بن بهرام دارمی (م ۲۵۵ق)، دمشق: مطبعة الاعتدال، بی تا.
- سير اعلام النبلاء، شمس الدین محمد ذهبی (م ۷۴۸ق)، تحقیق: محب الدین ابوسعید عمر بن غرامسة الغمروی، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۱۷ق.
- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری (م ۲۶۱ق)، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- «علم رجال و مسأله توثيق»، محمدباقر بهبودی، تهران: كيهان فرهنگي، ش ۸، بهمن ۱۳۷۰.
- العين، خليل بن احمد فراهيدي (م ۱۷۵ق)، تحقیق: مهدي مخزومي و ابراهيم سامري، قم: دارالبيجرة، ۱۴۰۹ق.
- فتوح البلدان، احمد بن يحيى بلاذري (م ۲۷۹ق)، تهران: نشر نقره، ۱۳۶۷ش.
- الفصل فی الملل والأهواء و النحل، علی بن حزم (م ۴۵۶ق)، مصر: مطبعة الادبية، اول، ۱۳۱۷ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسي، تحقيق: محمدجواد القيومي، مؤسسة النشر الفقاهة، اول، ۱۴۱۷ق.

- الكافى، محمد بن يعقوب كلينى (م ٣٢٩)، تحقيق: على أكبر غفارى، تهران: دارالكتب الاسلامية، ١٣٨٨ق.
- كتاب سليم، سليم بن قيس هلالى، تحقيق: محمد باقر انصارى زنجانى خوئينى، بى جا، بى نا، بى تا.
- كمال الدين و تمام النعمة، شيخ صدوق، تحقيق: على أكبر غفارى، قم: مؤسسة نشر اسلامى، ١٤٠٥ق.
- لسان العرب، محمد بن مكرم بن منظور (م ٧١١ق)، بيروت: دار صادر، ١٩٥٥م.
- مجمع البحرين، فخرالدين طريحي، تحقيق: سيد احمد حسيني، تهران: مكتب النشر للثقافة الاسلامية، ١٤٠٨ق.
- المحدث الفاصل بين الراوى و الراعى، حسن بن عبدالرحمان رامهرمزى (م ٢٦٥-٣٦٠ق)، تحقيق: دكتور محمد عجاج خطيب، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٤ق.
- مدرسة الحديث فى البصرة حتى القرن الثالث الهجرى، أمين القضاة، بيروت: دار ابن حزم، اول، ١٤١٩ق.
- مدرسة الحديث فى القيروان من الفتح الاسلامى و الى منتصف القرن الخامس الهجرى، حسين بن محمد شواط، رياض: الدار العالميه للكتاب الاسلامى، اول، ١٤١١ق.
- مدرسة الحديث فى اليمن، محمد على أحمد كيسى، يمن: جامعة صنعاء، ١٤٢٥ق.
- المستدرک على الصحيحين، محمد بن محمد حاكم نيشابورى (م ٤٠٥ق)، محقق: دكتور يوسف مرعشلى، بيروت: دارالمعرفة، ١٤٠٦ق.
- مستدرکات علم رجال الحديث، على نمازى شاهرودى، تهران: چاپخانه شفق، ١٤١٢ق.
- معجم البلدان، ياقوت حموى (م ٦٢٦ق)، بيروت: داراحياء التراث العربى، بى تا.
- معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، سيد ابوالقاسم خويى (م ١٤١٣ق)، پنجم، بى جا، بى نا، ١٤١٣ق.
- معجم مقاييس اللغة، ابوالحسين احمد بن فارس (م ٣٩٥ق)، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتبة الأعلام الإسلامى، ١٤٠٤ق.
- معرفة علوم الحديث، حاكم نيشابورى، تحقيق: احمد بن فارس السلوم، بيروت: دار ابن حزم، ١٤٢٤ق.
- مقدمة ابن صلاح فى علوم الحديث، عثمان بن صلاح (م ٦٢٢ق)، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٩ق.
- من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، تحقيق: على أكبر غفارى، قم: انتشارات اسلامى، ١٤٠٤ق.
- نهاية الدراية، سيدحسن صدر، تحقيق: ماجد الغرباوى، بى جا، نشرالمعشر، بى تا.
- النهاية فى غريب الحديث و الأثر، ابن الأثير الجزرى (م ٣٦٠ق)، تحقيق: طاهر احمد الزاوى و محمود محمد الطناحى، بيروت: المكتبة العلمية، بى تا.
- الوجيزة حبل المتين، بهاءالدين محمد بن حسين بهائى (م ١٠٣١ق)، قم: انتشارات بصيرتى، بى تا.